



۲

بخش دوم



در مسیر

تهیه شده
توسط

حسین سلیقه

1- حرکت برای کسب کمالات و مدارج معنوی چگونه امکان پذیر است؟

سرآغاز هر حرکت، از جمله حرکت به سمت رشد و کمال، اندیشه و تفکر است؛ موضوعی که در بخش اول با محوریت تفکر پیرامون خدا، آثار و صفاتش، سنت‌های او در جهان هستی به‌ویژه زندگی انسان به آن پرداختیم.

اما گام بعد، حرکت برای کسب کمالات و مدارج معنوی و انسانی است که ¹با انجام دادن مجموعه‌ای از کارها (واجبات) و ترک برخی از امور (محرمات) در قلمروهای مختلف ممکن ²است.)

هرچند این مسیر بادشواری‌هایی ممکن است همراه باشد اما یادمان نرود که خداوند، قدرتمندترین

قدرتمندان، پشتیبان ما در این مسیر است :

ایمان به خداوند و
تمسک به ابواب
رحمت الهی و هدایت
به راه راست است

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسُيِّدْهُمْ فِي رَحْمَةِ اللَّهِ
وَفَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

و اما کسانی که به خدا گرویدند و به او تمسک جستند، به زودی [خدا] آنان را در جوار رحمت و فضلی از جانب خویش درآورد، و ایشان را به سوی خود، به راهی راست، هدایت کند.



درس هفتم

در گرو کار خویش

در درس گذشته، با چند مورد از سنت‌های الهی از جمله «نقش عمل انسان در سرنوشت او» آشنا شدیم و نمونه‌هایی از این تأثیر را مطالعه کردیم. اما یک سؤال اساسی در رابطه میان انسان و عمل او وجود دارد که لازم است به‌طور جدی درباره آن بیندیشیم و ببینیم که قرآن کریم و پیشوایان دین درباره آن، چه رهنمودی به ما داده‌اند. آن سؤال اساسی این است که:

عمل انسان چه نقشی در ساختن شخصیت او دارد؟

در باره ارزشمندی قدرت اختیار، رها توضیح داده شده است که انسان به کمک همین ویژگی می تواند

مراحل کمال را یکی پس از دیگری بیاماید و به تعبیر سعدی :

بنگر که تا چه حد است مکان آدمیت

رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند

به در آی تا ببینی طیران آدمیت

طیران مرغ دیدی تو ز پایند شهوت

انسان همان طور که با قدرت اختیار خود می تواند راه کمال را طی کند، با همین توانایی می تواند

در مسیر شقاوت پیش رود و هلاکت خود را رقم بزند. عواملی همچون شیطان، برای فرهنگ و

اجتماعی، دوستان، رسانه ها، هر عامل دیگر فقط در حد وسوسه و تحریک نقش دارند و این، خود

انسان است که سرنوشت شقاوت بار خود را رقم می زند و آینده خود را تباه می سازد. پس انسان گنه کار

در گرو عمل خویش است.

تدبیر در قرآن

آنگاه [تشخیص] بدکاری و پرهیزکاری را به آن [نفس انسان]

الهام کرد.

شناخت خوبی و بدی

فَالْهَمَّهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا

که هر کس آن را پاک گردانید، قطعاً رستگار شد.

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا

و هر کس آن را آلوده کرد، قطعاً محروم شد.

وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا

۱- در این آیات یک بشارت وجود دارد و یک انداز، آنها را مشخص کنید.

بشارت: هر کس خود را پاک گردانید. رستگار می شود.

انذار: هر کس آلوده شود از رحمت خدا محروم می شود.

۲- این بشارت و انذار نشانه چه حقیقتی است؟

سرنوشت انسان بوسیله خود او شکل می گیرد

بیشتر بدانیم

قرآن کریم در ابتدای گفت و گویی از بهشتیان با دوزخیان می فرماید :

هر انسانی در گروهی کاری است که کرده و باید جوابگو باشد که چرا این زیان را به خود یا دیگری

رسانده است.

سپس آن گفت و گو را چنین بیان می کند تا نشان دهد که دوزخیان در گروهی چه رفتاری بوده اند :

۱- سورة شمس، آیات ۸ تا ۱۰.

۲- سورة مدثر، آیات ۳۸ تا ۴۸.

اصحاب یمین از مجرمان می پرسند : چه چیزی شما را به راه دوزخ کشاند؟ آنان با تأسف می گویند : ما نمازگزار نبودیم و توجهی به بینوایان نداشتیم و آنان را اطعام نمی کردیم و پیوسته با اهل باطل همنشین بودیم و روز قیامت را تکذیب می کردیم که ناگهان مرگ آمد و ما را دربرگرفت.

پس از آن خداوند با حالتی تأسف آمیز می فرماید : کار اینان به جایی رسید که حتی شفاعت شفاعت کنندگان نیز برای آنان سودی نداشت. سپس خداوند، ما را به علت اصلی این سرنوشت وحشتناک توجه می دهد که اینان از هر اندرز و نصیحتی فرار می کردند، همان طور که چهارپایان از حمله شیرهای درنده فرار می کنند.

۱- چرا برخی از انسانها به سوی گناه میروند و مرتکب گناه میشوند؟

زمینه های گناه

هیچ انسانی به طور فطری به دنبال ظلم، خیانت، دروغ گویی، تجاوز به حقوق دیگران و سایر اموری که گناه و بدی نامیده می شوند، نیست؛ بلکه برعکس، انسان ها عدل، امانت داری، صداقت، عفت، پاکدامنی، حیا و اموری که عمل صالح و خُلق نیکو محسوب می شوند را دوست دارند و می خواهند که دیگران هم نسبت به آنان راستگو و درست کردار باشند.

ممکن است پرسید : پس چرا برخی از انسان ها به سوی گناه می روند و مرتکب گناه می شوند؟ در تبیین علت و چرایی حرکت انسان به سمت گناه می گوئیم :

مقدمه اول (خداوند حکیم امیال و غرایز و گرایش های گوناگونی در وجود انسان قرار داده تا به وسیله آنها حیات مادی و معنوی خود را سامان دهد و تکامل بخشد؛ امیال و غرایز برای حیات مادی و گرایش به خیر و نیکی برای حیات معنوی.)

مقدمه دوم (آنچه در این میان مهم است این است که انسان باید حد و مرز این امیال و غرایز را رعایت کند و آنها را کنترل نماید تا طغیان یک یا چند میل موجب نشود تا انسان گرایش های معنوی خود را به فراموشی سپرد و همه زندگی خود را صرف امیال مادی کند.)

تشبیه تمایلات تمایلات مادی در انسان شبیه به جریان آب در طبیعت است. اگر آب، که مایه حیات انسان و گیاهان و حیوان هاست، هدایت و کنترل شود و در پشت سدها و در مزارع و رودخانه ها به طرز صحیحی استفاده گردد، موجب آبادانی می شود؛ اما اگر همین آب کنترل نشود و به صورت سیل و سیلاب جاری شود، تخریب و ویرانی به بار می آورد. بنابراین، اگر امیال مادی انسان کنترل نشود، این امیال سر به طغیان

برداشته و انسان مرتکب گناه می‌شود.

به‌طور مثال، یکی از قوای وجودی ما قوه غضب است. خداوند این قوه را در انسان قرار داده تا در مواقع خطر از خود دفاع کند و با متجاوزان مقابله نماید. اما اگر کسی حد و مرز این میل را رعایت نکند و مردمان دیگر را زیر سلطه و قدرت خود قرار دهد و اموال آنان را به چنگ آورد، از این قوه سوء استفاده کرده و مرتکب گناه شده است. ظالمین و متجاوزان به حقوق مردم در جهان، کسانی هستند که از این قوه استفاده نادرست کرده‌اند.)

بررسی

چه عواملی امروزه سبب می‌شوند تمایلات مادی ما تحریک شوند و از حد اعتدال خارج گردند؟ آنها را شناسایی کرده و نام ببرید.

پاسخ به یک پرسش

سوال 1

ممکن است بپرسید با توجه به این سخن که انسان از هر چیزی منع شود نسبت به آن حریص‌تر می‌شود، آیا محدود کردن تمایلات مادی انسان توسط احکام الهی، سبب حریص‌تر شدن انسان و طغیان آن میل نمی‌شود؟

1) در پاسخ به این سؤال می‌گوییم:

اولاً؛ احکام الهی انسان را از توجه به امیال مادی منع نمی‌کند بلکه توصیه به استفاده معتدل از آنها می‌نماید.)

(ثانیاً؛ انسان به چیزی حرص می‌ورزد که نسبت به آن تحریک شود.) انسان‌ها در زندگی اجتماعی خود از بسیاری از امور منع شده‌اند اما هرگز نسبت به آن حریص‌تر نمی‌شوند؛ مثلاً در دیوار منازل شخصی مردم، دیگران را از ورود بدون اجازه به آن منع می‌کند، اما وقتی انسان از کوچه و خیابان گذر می‌کند نه تنها نسبت به این منع هیچ حرصی ندارد، بلکه آن را پسندیده و لازمه زندگی اجتماعی می‌داند. بنابراین، حریص شدن انسان نسبت به برخی امیال مانند میل جنسی نه به خاطر محدود کردن آن، بلکه به خاطر تحریک انسان‌ها توسط برخی رسانه‌ها، فیلم‌ها، پوشش نامناسب برخی افراد و... است.

(ثالثاً؛ برخی افراد منافع و تجارشان در گسترش و افراط در تمایلات مادی است و به دنبال حریص‌تر شدن مردم هستند.)

و يُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ

و کسانی که از شهوات پیروی

نقش بعضی انسان ها در انحراف انسان می کنند، می خواهند

أَنْ تَمِيلُوا مِيلًا عَظِيمًا^۱

شما به انحراف بزرگی دچار شوید.

این افراد شهوت ران به استفاده متعادل از تمایلات نام منع می گذارند تا این گونه الفا کنند که دین اسلام، انسان ها را از توجه به امیال و غرایز مادی منع کرده است.

1- ایمان به خداوند از چه جهاتی پشتوانه دوری از گناه

ایمان، پشتوانه ای محکم برای دوری از گناه است؟

همان طور که توضیح داده شد، انسان به طور فطری گناه را دوست ندارد و فضیلت و خیر را می خواهد. اما این مسئله سبب دوری از گناه نمی شود، زیرا چنان که گفته شد، عوامل تحریکی ممکن است زمینه توجه بیش از حد انسان به تمایلات حیوانی شود و برای رسیدن به آن تمایلات مرتکب گناه گردد.

بنابراین ما نیازمند یک پشتوانه محکم برای دوری از گناه هستیم و این پشتوانه محکم چیزی جز ایمان به خداوند نیست. ایمان به خداوند از چند جهت پشتوانه دوری از گناه است:

۱- انسان مؤمن می داند که خداوند ناظر کارهای اوست. از این رو حیا می کند که در پیشگاه او مرتکب گناه شود. در صورتی که گناهی هم از او سرزند از خداوند شرمند می شود و توبه می کند.

۲- انسان مؤمن می داند که خداوند انسان را بیهوده نیافریده و نسبت به اعمال وی بی تفاوت نیست؛ در روز حساب، به نیکوکاران پاداش می دهد و بدکاران را مجازات می کند. توجه به این مسئله، باعث می شود فرد مؤمن سعی در دوری از گناه داشته باشد.

۳- انسان مؤمن در سرگردانی قرار ندارد. خداوند او را راهنمایی کرده و مشخص نموده که چه کارهایی گناه و حرام و چه کارهایی واجب است. او با اعتماد و اطمینان به دستورات الهی عمل می کند

و به سوی سعادت و رستگاری پیش می رود) خداوند در قرآن کریم می فرماید:

2- چند نمونه از دستورات و راهنمایی های خداوند برای رستگاری

انسان را نام ببرید

۲) به راستی که مؤمنان پیروز و رستگارند

همانان که در نمازشان خاشع و فروتن اند.

و آنان که از بیهوده کاری رویگردانند.

و آنان که اتفاق مال انجام می دهند.

و آنان که پاکدامنی می ورزند و فقط از همسران خود بهره می گیرند.

و آنان که امانت دارند و بر سر پیمانشان استوارند.

و آنان که از نمازهای خود محافظت می کنند.

۱- سوره نساء، آیه ۲۷.

اینان وارث وعده‌های زیبای خداوند هستند و «فردوس» را که یکی از بالاترین مراحل بهشت است، برای ابد به ارث می‌برند.^۱

۱- چرا برخی مومنین گناه می‌کنند؟

بررسی یک مسئله

با توجه به مطالب قبل ممکن است این سؤال به ذهن انسان خطور کند که پس چرا برخی مؤمنین گناه می‌کنند؟ پاسخ به این سؤال نیازمند تأمل و دقت است. از همین جهت، آن را در چند بند پاسخ می‌دهیم:

^۱ ۱- باید توجه داشته باشیم ایمان به خدا با اینکه کسی ادعای ایمان بکند، متفاوت است؛ ایمان به خدا یک امر قلبی است. ممکن است کسی به زبان بگوید خدا و دستورات او را قبول دارم، اما هنوز اعتقاد به خدا وارد قلبش نشده باشد. چنین کسی معمولاً از دستور خدا سرپیچی می‌کند و مرتکب گناه می‌شود.^۲

^۱ ۲- حتی افرادی که به خداوند ایمان دارند از لحاظ درجات ایمان متفاوت‌اند؛ به عبارت دیگر، ایمان انسان‌ها شدت و ضعف دارد، ایمان یکی ضعیف است و ایمان دیگری قوی و ایمان فرد دیگر قوی‌تر.^۳

میزان دوری مؤمن از گناه با درجه ایمان^۱ و دلبستگی وی به خداوند^۲ ارتباط دارد. هر قدر ایمان قوی‌تر باشد، دوری وی از گناه نیز بیشتر است. با این میزان می‌توانیم درجه ایمان افراد پیرامون خود را بسنجیم: آنان که بیشتر از گناه دوری می‌کنند، ایمانشان قوی‌تر است.

انسانی که ایمان ضعیفی دارد، اگر ایمان خود را تقویت نکند و به گناه آلوده شود، به تدریج به گناه عادت می‌کند و به جایی می‌رسد که همین ایمان ضعیف را هم از دست می‌دهد و همه حقایق، حتی خدا را انکار می‌کند. قرآن کریم می‌فرماید:

ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ

أَسَاءُوا السَّوْأَى

أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ

وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ^۳

دومورد از

نتایج عدم

تقویت ایمان

سپس سرنوشت آنان که

مرتکب گناه شدند

چنین شد که نشانه‌های خدا را تکذیب کردند

و آن نشانه‌ها را به باد تمسخر می‌گرفتند

اگر انسان هنگامی که اولین گناه را مرتکب می‌شود، شخصیت آلوده و وحشتناک فردای خود را ببیند، به شدت از آن بیزاری می‌جوید و دوری می‌کند. اما چون آن شخصیت آلوده به تدریج شکل می‌گیرد، در

۱- برگرفته از سوره مؤمنون، آیات ۱ تا ۱۱.

۲- گروهی از اعراب که ادعای ایمان می‌کردند، اما بایند به احکام اسلام نشده بودند، نزد پیامبر اکرم ﷺ آمدند و از ایمان دم زدند. خداوند به آن حضرت فرمود به اینان بگو ایمان نیاورده‌اید لکن بگوئید اسلام آورده‌ایم، چرا که هنوز ایمان به زرفای دلتان راه نیافته است. اگر خدا و رسول را اطاعت کنید، معلوم می‌شود که ایمان آورده‌اید و خداوند نیز پاداش شما را بدون کم و کاست می‌دهد. (برگرفته از سوره حجرات، آیه ۱۴)

۳- سوره روم، آیه ۱۰

ابتدا تن به گناه می‌دهد و پس از آنکه به گناه آلوده شد و خود را به آن عادت داد، آن تنفر اولیه را نیز فراموش می‌کند. **«توجیه» گناه** **«عادت»** به آن، از پرتگاه‌های خطرناک سقوط در وادی ضلالت است. **دو پرتگاه سقوط در وادی ضلالت**

۱- هر یک از ما با تجربه‌هایی که در این زمینه داریم می‌توانیم بررسی کنیم که آیا در مواقعی که ارتباط معنوی بهتری با خدا داریم و ایمانمان به خداوند قوی‌تر است، بیشتر گناه می‌کنیم یا در حالی که توجهی به خدا نداریم و از او غافلیم؟

همچنین دوستان و هم‌کلاسی‌های ما نیز نمونه‌های خوبی برای بررسی این مسئله و رسیدن به پاسخ مناسب هستند. آیا دوستانی که واقعاً اهل نماز و روزه‌اند، بیشتر گناه می‌کنند یا دوستانی که کمتر به نماز و روزه خود توجه دارند؟

فکر گناه

هر کس، چه مؤمن و چه کافر، فکرش را به سوی گناه ببرد و دربارهٔ صحنه‌های گناه فکر کند، گرفتار آن می‌گردد. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

مَنْ كَثَرَ فِكْرَهُ فِي الْمَعَاصِي دَعَتْهُ إِلَيْهَا. ۱ **فکر کردن به گناه باعث گرفتار شدن به گناه می‌شود**
کسی که دربارهٔ معاصی زیاد فکر کند، گناهان او را به سوی خود می‌کشاند.

گرچه فکر گناه مانند انجام گناه نیست (مجازات گناه را ندارد) اما زمینه‌ساز رفتن به سوی گناه است. امام صادق علیه السلام در این باره سخنی را از حضرت عیسی علیه السلام بیان می‌کنند که ایشان به حواریون خود فرمود: «موسی بن عمران به شما دستور داد که زنا نکنید اما من به شما فرمان می‌دهم که حتی فکر زنا را نیز به خاطر نیاورید چه رسد به اینکه آن عمل را انجام دهید، زیرا هر کس که فکر آن را بکند مانند کسی است که در ساختمانی آتش روشن کند که در این صورت دود آتش، خانه را سیاه می‌کند، گرچه ظاهر خانه سالم است. ۲»

۱ بر اساس سخن پیامبر چهار رفتاری که از خود گناه بدتر است کدامند؟ بدتر از گناه

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: چهار رفتار نسبت به گناه از خود گناه بدتر است:

۱- کوچک شمردن گناه (مثلاً وقتی نگاه هوس‌آلود به نامحرم می‌کنیم، یا با پوشش نامناسب در اجتماع حاضر می‌شویم، برای راحتی وجدان بگوئیم اینکه چیزی نیست، دیگران گناهان بزرگ‌تر از این را انجام می‌دهند.)

۱- غرر الحکم و دررالکلم، تمیمی آمدی، حدیث ۸۵۶۱.

۲- بحار الأنوار، مجلسی، ج ۱۴، ص ۳۳۱.

- ۱) ۲- افتخار کردن به گناه (مثلاً بگویم، وقتی که فلان شغل را داشتم فلان رشوه را گرفتم و هیچ کس نفهمید.)
- ۱) ۳- شادمانی کردن بر گناه (مثلاً بعد از گناه خوشحالی کنیم و بگویم چه کلاهی سر او گذاشتم.)
- ۱) ۴- اصرار بر گناه (بگویم خوب کردم که رشوه گرفتم، باز هم رشوه می گیرم.)^۱

گناهان صغیره و کبیره

تعریف گناهان کبیره

در یک تقسیم بندی، گناهان به دو دسته **صغیره** و **کبیره** تقسیم می شوند.^۱ گناهان کبیره گناهانی هستند که آثار سوء و زیان بار آنها به مراتب از گناهان صغیره بیشتر است.^۲ تعداد گناهان کبیره در آیات و روایات به طور دقیق تعیین نشده فقط می توان گفت که برخی از گناهان حتماً از جمله گناهان کبیره هستند.^۳ عادت و تکرار گناهان صغیره زمینه ساز رفتن انسان به سمت گناهان کبیره است. از این رو امام رضا (ع) می فرماید: «گناهان کوچک راه هایی برای گناهان بزرگ اند و کسی که در [گناهان] اندک از خدا ترسد، در [گناهان] بسیار نیز نخواهد ترسید»^۴

از این رو، یکی از گناهان کبیره، کوچک شمردن گناهان صغیره دانسته شده است.

کتمان گناه - چرا در تعالیم اسلامی به کتمان گناه توصیه شده؟

در تعالیم دین توصیه شده است که اگر کسی به هر علتی گناهی را انجام داد، نباید گناهِش را برای دیگران بیان کند،^۱ (زیرا با اظهار گناه، زشتی آن در نظر او و دیگران از بین می رود و انجام گناه امری عادی جلوه می کند.^۵ اگر در جامعه ای گناه، زشتی خود را از دست دهد، فساد در آن جامعه به سرعت گسترش می یابد.) از این رو کسانی که در فضای مجازی یا در صحبت با دوستان خود، به راحتی گناهان خود را با دیگران در میان می گذارند گناه بزرگ دیگری را علاوه بر گناه قبلی، برای خود ثبت می کنند، زیرا باعث ترویج آن گناه می شوند. خداوند در قرآن کریم می فرماید:

پیام: ضرورت کتمان گناه

إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ
آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ...^۶
بی گمان، کسانی که دوست دارند کارهای بسیار
زشت در میان مؤمنان شایع شود، در دنیا و
آخرت عذابی دردناک دارند.

۱- مستدرک الوسائل، میرزای نوری، ج ۱۱، ص ۳۶۷.

۲- این تقسیم بندی ناظر بر آیه ۳۱ سوره نساء است که می فرماید «إِنْ تَجْنِبُوا كِبَائِرَ مَا تُهَوَّنُ عَنْهُ، نَكْفُرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلَكُمْ مُدْخَلَ كَرِيمٍ».

۳- برخی از گناهان کبیره عبارت اند از: شرک به خدا، یأس از رحمت الهی، عاق والدین، قطع رحم، رباخواری، زنا، لواط، کم فروشی، فرار از جهاد، کمک به ستمکاران، یاری نکردن به ستم دیدگان، اسراف، ترک یکی از واجبات، اصرار بر گناه، غیبت، بهتان، ریختن آبروی دیگران، احتکار، کبر، دشمنی با مؤمنین، کفران نعمت (برای توضیح بیشتر به کتاب «گناهان کبیره» از آیت الله شهید دستغیب مراجعه کنید).

۴- «الْصَّغَائِرُ مِنَ الذُّنُوبِ طُرُقٌ إِلَى الْكِبَائِرِ وَ مَنْ لَمْ يَخَفِ اللَّهَ فِي الْقَلِيلِ لَمْ يَخَفْهُ فِي الْكَثِيرِ»؛ عیون أخبار الرضا، صدوق، ج ۲، ص ۱۸.

۵- بحار الأنوار، مجلسی، ج ۱۰، ص ۷۸.

۶- سوره نور، آیه ۱۹.

آثار گناه

گناهان، آثار نامطلوبی بر زندگی دنیوی و اخروی ما دارند که به سه مورد آن اشاره می‌کنیم:

1) **۱- قساوت قلب:** قساوت^۱ قلب حالتی است که قلب انسان نسبت به حق تسلیم نیست، تا آنجا که نصیحت هیچ نصیحت کننده در او اثر نمی‌کند. این حالت با تکرار گناه پیدا می‌شود؛ یعنی قلب با تکرار گناه، به تدریج چنان سخت می‌شود که دیگر انجام هیچ گناهی او را ناراحت نمی‌کند. قرآن کریم به گناهکاران خطاب می‌کند و با مثالی وضع آنان را توضیح می‌دهد:

«سپس دل‌هایتان پس از آن سخت شد، همانند سنگ یا سخت‌تر از سنگ، زیرا که از بعضی سنگ‌ها جویباران می‌شکافد و از بعضی از آنها آب بیرون می‌آید و برخی از آنها از عظمت و خشیت خداوند فرو می‌افتد.»^۲
امام باقر (ع) فرمود: «هیچ چیز مانند گناه دل را فاسد نمی‌کند. همانا قلب الوده به گناه می‌شود تا جایی که بر اثر استمرار، گناه بر آن چیره می‌شود و آن را زیر و رو می‌کند.»^۳

1) **۲- سلب توفیق:** وقتی انسان مرتکب گناه می‌شود، علاوه بر آثار مستقیم گناه، توفیقی نیز از او سلب و دری از خیر به روی او بسته می‌شود. همین محرومیت چه بسا سرچشمه محرومیت‌های بعدی می‌شود؛ مگر اینکه شخص پس از انجام گناه، قلباً پشیمان شود و با توبه به درگاه الهی بازگردد.
1) **۳- از بین بردن آرامش خاطر:** گناه، بر وجدان انسان اثر می‌گذارد و شخص را از درون ناراحت می‌کند. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «گاهی، یک لحظه گناه، اندوه طولانی به دنبال دارد.»^۴
اگر گناهکار، در همین مرحله توبه کند، خود را از اندوه درونی نجات داده است. اما اگر گناه را تکرار کند، برای راحت کردن وجدان خود، پیوسته دست به توجیه می‌زند تا بالاخره بر وجدان خود چیره شود و گناه را به‌سانی انجام دهد.

تعریف
سلب توفیق

خودآزمایی

- حالت خود را هنگام نافرمانی از خداوند بررسی کنید و ببینید.
- ۱- به کدام خطا عادت کرده‌اید و علت آن چیست؟
 - ۲- به آثار سوء آن خطا آشنا هستید و می‌دانید چه اثری برجا می‌گذارد؟
 - ۳- هنگام انجام آن خطا، چه حالتی در پیشگاه خداوند دارید؟

۱- قساوت در لغت به معنای سخت، خشن و نفوذناپذیر است، از این رو به سنگ‌های سخت، «قسی» گفته می‌شود.

۲- سوره بقره، آیه ۷۴.

۳- کافی، کلینی، ج ۲، ص ۲۶۸.

۴- همان، ص ۴۵۱.



درس یازدهم



عصر شکوفایی

تهیه شده

توسط

حسین سلیمانی

ما در درس گذشته، با برخی از معیارهای تمدن موردنظر اسلام آشنا شدیم. در این درس می‌خواهیم ببینیم نیاکان ما برای تحقق این معیارها چقدر تلاش کرده‌اند و تا چه اندازه موفق شده‌اند و از این تلاش چه درس‌هایی برای امروز خود می‌توانیم بگیریم؟

1- حضرت علی (ع) وضعیت قبل از بعثت پیامبر را چگونه توصیف می کند؟

2- وضعیت اجتماعی و فرهنگی قبل از اسلام در عربستان چگونه بود؟

3- وضعیت فرهنگی و اجتماعی خارج از عربستان قبل از اسلام چگونه بود؟

اوضاع اجتماعی و فرهنگی پیش از اسلام

قبل از ورود به دوره تمدن اسلامی، نگاهی به اوضاع قبل از اسلام می اندازیم تا بدانیم که مسلمانان از چه نقطه ای حرکت کرده و به چه نقطه ای رسیده اند و آن را چراغ راه آینده قرار دهیم.

امیر مؤمنان علی (ع) از آن ایام این گونه یاد می کند:

1 «خداوند رسول خویش، محمد (ص) را زمانی فرستاد که مدتی از بعثت پیامبران پیشین می گذشت. ملت ها در خوابی عمیق فرو رفته و فتنه و فساد، جهان را فرا گرفته بود. رشته ها از هم گسیخته و آتش جنگ، زبانه می کشید.»^۱

2 «مردم آن زمانه، مذاهب پراکنده و خواسته های متناقض و روش های متفاوت داشتند. برخی خدا را شبیه سایر مخلوقات می دانستند و برخی نیز غیر او را پرستش می کردند.»^۲

3 «مردم از شیطان اطاعت می کردند و در راه او گام برمی داشتند. عَلم های شیطان توسط این مردم به حرکت درآمده و پرچمش در فتنه هایی که شیطان، مردم را از طریق آن زیر پاهایش می کوفت و زیر سم هایش لگد مال می کرد، برافراشته شده بود.»^۳

4 «شما مردم در آن زمان بدترین کیش و آیین را داشتید. در میان سنگ های سخت و مارهای زهرآلود زندگی می کردید، آب تیره می نوشیدید، غذای ناگوار می خوردید، خون یکدیگر را می ریختید و از خویشان می پریدید. بت ها در میان شما جای داشت و گناه، شما را فرا گرفته بود.»^۴

2 «بسیاری از مردم، داشتن دختر را ننگ می شمردند و وقتی به آنها خبر می دادند که خداوند دختری به آنها بخشیده، خشمگین می شدند.»^۵ در داخل قبایل، غارت اموال، دزدی، برده داری، قمار، ربا و داد و ستدهای نادرست رواج داشت. کعبه مرکز بت های مختلف شده بود. بسیاری نیز به پرستش ارواح و ماه و ستارگان مشغول بودند.

3 «خارج از شبه جزیره عربستان نیز، جهان آن روز آمیزه ای از تهی دستی، شلاق خوردن و سوختن محرومان، اندیشه های خشکیده و غرض آلود کشیشان و کاهنان و موبدان و تجمل پرستی درباریان بود. خسرو پرویز، پادشاه ایران در زمان طلوع اسلام خود را آدمی فناپذیر از میان خدایان و خدایی بسیار جلیل در میان مردمان می شمرد.»^۶ در پادشاهی ساسانی حدود یک درصد کل جمعیت آن روز

۱- نهج البلاغه، خطبه ۸۹

۲- همان، خطبه ۱

۳- همان، خطبه ۲

۴- همان، خطبه ۲۶

۵- سورة نحل، ۵۸

۶- ایرانیان در زمان ساسانیان، کریستن سن، ترجمه رشید یاسمی، ص ۶۴۸

ایران، همه چیز را در اختیار داشتند و بقیه مردم چون بردگان از حقوق اولیه و اساسی خویش محروم بودند.^۱

دانش تکمیلی

آیا در چهارده قرن پیش، ایرانیان به زور شمشیر و از روی اجبار مسلمان شدند؟
برای دیدن پاسخ این سؤال به وبگاه گروه قرآن و معارف اسلامی به نشانی <http://quran-dept.talif.sch.ir>
بخش «دانش تکمیلی» مراجعه کنید.

بیشتر بدانیم

حکیم ابوالقاسم فردوسی، نظام طبقاتی آن روز جامعه ایران را با ذکر یک داستان به خوبی ترسیم می کند. در زمان حکومت انوشیروان که جنگی میان ایران و روم پیش آمده بود و ذخیره مالی حکومت تمام شده بود، مأموران دولت به شهرهای مختلف می رفتند تا از ثروتمندان و توانگران کمک بگیرند. کفشگری که ثروتی از گذشته برای او مانده بود، به مأموران حکومت گفت: «من این ثروت را به شما می بخشم به شرطی که فرزندم اجازه داشته باشد آموزش های مربوط به شغل دبیری^۲ را بیاموزد»:

یکی پور دارم رسیده به جای	به فرهنگ جوید همی رهنمای
اگر شاه باشد بدین دستگیر	که این پاک فرزند گردد دبیر
ز یزدان بخواهم همی جان شاه	که جاوید باد این سزاوارگاه

در آن روزگار، دبیران طبقه ای ممتاز بودند که کارهای اداری و دفتری پادشاهان را انجام می دادند. این افراد، آموزش های ویژه ای می گذراندند و بعد از ایشان فقط فرزندانشان می توانستند این شغل را به دست بگیرند. در حقیقت، خانواده پادشاهان که اولین طبقه جامعه بودند، معتقد بودند که افراد معمولی ادب و تربیت لازم را برای معاشرت با آنان ندارند و فقط یک طبقه خاص به نام دبیران می توانند با آنها آمد و شد داشته باشند و کارهای دفتری و اداری آنان را انجام دهند. پادشاهان و درباریان وارد شدن یک فرد معمولی به طبقه دبیران را خلاف ادب و عدل تلقی می کردند. به همین جهت انوشیروان در جواب کسی که پیغام کفشگر را آورده بود، می گوید:

۱- تاریخ اجتماعی ایران، مرتضی راوندی، ج ۲، صص ۱۱-۱۰ (سرزمین ایران در دوره ساسانیان یکی از بزرگ ترین کشورهای جهان بود و قلمرو بسیار وسیعی را در برمی گرفت، جمعیت آن هم بسیار زیاد بود.)

۲- در زمان ساسانیان مردم به چهار طبقه اجتماعی تقسیم می شدند که یکی از این طبقات، طبقه دبیران بود که کارهای اداری همچون محاسبه اموال، صدور احکام و قراردادهای ... را انجام می دادند.

به ما بر پس از مرگ، نفرین بُود چو آیین این روزگار این بُود
 نخواهیم روزی جز از گنج داد درم زو مخواه و مکن هیچ یاد
 هم‌اکنون شتر بازگردان به راه درم خواه و ز موزه‌دوزان مخواه
 فرستاده برگشت و شد با درم دل کفشگر گشت پر درد و غم^۱



امپراتوری روم با استبداد اداره می‌شد و مسیحیت تحریف شده را، دستاویز حکومت خود قرار داده بود. تبعیض‌های نژادی، انحطاط اخلاقی و جنگ‌های پی‌درپی و طولانی مدت، این امپراتوری را به افول کشانده بود.^۲

این گزارش اجمالی، سیمایی از شرایط فرهنگی و اجتماعی قبل از اسلام بود. رسول خدا ﷺ آمد تا با همکاری و تلاش و همراهی مردم مقدمات تمدنی بر پایه معیارهای الهی و دینی را بنا کند. تمام رفتارهای پیامبر اکرم ﷺ منطبق بر همین معیارها و معرفی آنها به جامعه و مردم بود. البته پیامبر اکرم ﷺ واقعیت‌ها را می‌دانست و از میزان توانایی مردم و موانع پیش رو کاملاً آگاه بود. پیامبر ﷺ می‌دانست جامعه که مجموعه‌ای از انسان‌های قوی و ضعیف، موافق و مخالف و مؤمن و منافق است، تا چه میزان او را همراهی خواهد کرد. از همین جهت، همواره جامعه را نسبت به عظمت مسئولیت‌های بزرگشان آگاه می‌کرد و گاه با شدت به آنان هشدار می‌داد.

..... پس آنچنان که امر شده ای استقامت کن.....
 و کسانی که با تو باز گشته اند.....
 و طغیان نکنید.....
 همانا او به آنچه انجام می‌دهید بیناست.....

پیام آیه
 استقامت و پایداری
 در راه جامعه
 توحیدی
 فَاسْتَقِمْ کَمَا أَمَرْتُ
 وَ لَا تَطْغَوْا
 إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ^۳

خداوند در این آیه از پیامبر اکرم ﷺ می‌خواهد که نه تنها خودش، بلکه جامعه را برای برقراری جامعه توحیدی و تمدن اسلامی به پایداری و استقامت در راه دعوت کند و به چنین مرحله‌ای از آمادگی برساند.

۱- شاهنامه فردوسی، بخش ۱۲: وفات یافتن قیصر روم و رزم کسری
 ۲- برای مطالعه بیشتر در این خصوص به کتاب «انحطاط و سقوط امپراتوری روم»، نویسنده: ادوارد گیبون، ج ۲ مراجعه کنید.
 ۳- سوره هود، آیه ۱۱۲.

به این ترتیب، پس از پیامبر اکرم ﷺ در طول چند قرن، تمدنی پدید آمد که جنبه‌های مثبت فراوانی داشت و دستاورد بزرگی برای بشریت به‌شمار می‌آمد؛ گرچه جنبه‌های منفی غیرقابل انکاری هم در آن وجود داشت. در این درس با مروری اجمالی بر این تمدن می‌خواهیم مشخص کنیم که این تمدن تا چه اندازه به معیارهای تعیین شده از جانب خداوند نزدیک شده است.

گزارشی از تلاش مسلمانان صدر اسلام برای تحقق برخی معیارها

الف) تحکیم بنیان خانواده

در جامعه‌ای با آن فرهنگ منحط، پیامبر خدا ﷺ با رفتار خود بسیاری از سنت‌های جاهلی را نابود ساخت. رفتار ایشان با دخترشان، حضرت فاطمه علیها السلام برای جامعه آن روز و نیز امروز بسیار آموزنده است. او پیامبری بود که پسر برایش نمانده بود و فقط چهار دختر داشت که سه دختر بزرگ‌تر قبل از رحلت پیامبر ﷺ از دنیا رفته بودند و فقط کوچک‌ترین آنها که فاطمه علیها السلام بود، برای پیامبر باقی مانده بود. از این‌رو، برخی از اعراب، پیامبر را «ایتر» (بی دنباله) می‌گفتند تا تحقیرش نمایند. اما این پدر بزرگوار، همراه با دختر خردسالش، رسالت تغییر و انقلاب در نگرش انسان‌ها را برعهده گرفتند. فاطمه زهرا علیها السلام پس از رسول خدا ﷺ چشمه سار همیشه جاری خوبی‌ها و ارزش‌ها در جامعه اسلامی شد. قبل از او نیز، حضرت خدیجه علیها السلام که پشتیبانی صمیمی برای پیامبر صلی الله علیه و آله بود؛ ثروت فراوان و شخصیت اجتماعی خود را فدای تلاش‌های رسول خدا ﷺ کرد و نقش ممتاز خود را در شکل‌گیری بزرگ‌ترین تحول جهانی ایفا نمود.

به تدریج، رفتارهای پیامبر و تنها دخترش فاطمه علیها السلام جهت احیای ارزش‌های فراموش شده انسانی به بار نشست و فرو ریختن سنت‌های جاهلی آغاز شد. حضرت فاطمه علیها السلام وارث و ترویج‌کننده همه ارزش‌هایی شد که پیامبر اکرم ﷺ به ارمغان آورده و پیامبران بزرگ الهی همچون نوح و ابراهیم علیهم السلام و موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام برای آنها مبعوث شده بودند.

خانه فاطمه علیها السلام و خانه پدر کنار یکدیگر بود. این دو خانه با یک حیاط خلوت کوچک از هم جدا می‌شد و دو پنجره روبه‌روی هم، خانه پدر و دختر را به یکدیگر متصل می‌کرد. هر صبح پدر دریچه پنجره را می‌گشود و به دخترش سلام می‌کرد. هرگاه قصد سفر داشت، به منزل فاطمه علیها السلام می‌رفت، و با او خداحافظی می‌کرد؛ و هرگاه نیز که از سفر برمی‌گشت، فاطمه علیها السلام اولین کسی بود که پیامبر صلی الله علیه و آله به سراغش می‌آمد و حال او را می‌پرسید.^۱

۱- مستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۱۸۴، ح ۴۸۰۲.

مورخان گواهی داده‌اند که پیامبر ﷺ همواره دست دخترش را می‌بوسید^۱ و درباره او می‌فرمود:

— بهترین زنان جهان چهار تن‌اند: مریم، اسیه، خدیجه و فاطمه علیها السلام^۲

— خداوند از خشنودی فاطمه خشنود و از خشمش به خشم می‌آید.^۳

— فاطمه پاره‌ای از تن من است، هر که او را بیازارد مرا از رده است و هر کس مرا بیازارد، خدا را

آزرده است.^۴

در این خانواده، زنان، پایه پای مردان، تاریخ را رقم زده‌اند:

خدیجه علیها السلام حامی بزرگ پیامبر ﷺ،

فاطمه علیها السلام همراه پدر و حامی بزرگ علی علیه السلام،

و زینب علیها السلام در کنار برادر و پیام‌رسان نهضت عاشورا.

در عین حال، این خانواده الگوی تمام عیار عفاف، حیا و پوشش اسلامی بودند تا به دیگر مؤمنین

بیاموزند که توجه به مقام و منزلت زن به معنی بی‌بند و باری، نگاه ایزاری به او، و یا به معنی هوس‌رانی و متزلزل ساختن بنیان خانواده نیست.

با توسعه سرزمین‌های اسلامی و شکل‌گیری حکومت‌هایی که دیگر پیامبر و یاران پیامبر را الگوی

خود قرار نمی‌دادند، بار دیگر برخی از رفتارهای جاهلی نسبت به زن پدیدار شد. ^۱ **حاکمان بنی امیه و**

رفتار حاکمان

بنی امیه و بنی

عباس با زنان

بنی عباس و بسیاری دیگر از حاکمان سرزمین‌های اسلامی با تشکیل حرمسرا، زنان زیادی را به دربار خود آوردند، حقوق الهی آنان را نادیده گرفتند. با همه این احوال،^۱ موقعیت زن و خانواده در تمدن

اسلامی بسیار برتر از موقعیت زن در اروپا و سایر مناطق جهان بود^۵: زنان حق مالکیت و کار داشتند،

دسترنج آنها به خودشان تعلق داشت^۶، در عین حال که وظیفه هزینه خانواده را بر عهده نداشتند، به

همین جهت می‌توانستند ثروت خود را وقف امور عام‌المنفعه کنند. بسیاری از موقوفه‌های قدیمی

کشور ما مربوط به زنان خیری است که ثروت خود را وقف امور خیریه کرده‌اند.^۷

تحصیل برای زنان آزاد بود و اندیشمندان بزرگی از زنان در جهان اسلام پیدا شدند که سابقه نداشت^۸.

۱- امالی، شیخ طوسی، ص ۴۰؛ مستدرک علی‌الصالحین، همان، ج ۳، ص ۱۸۱، ح ۴۷۹۵.

۲- خصال، صدوق، ج ۱، ص ۲۲۵.

۳- امالی، شیخ مفید، صص ۹۴ و ۹۵.

۴- مناقب، ابن‌شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۸۰.

۵- در درس بعد به جایگاه زنان در تمدن غرب خواهیم پرداخت.

۶- زنان مسلمان از ۱۴۰۰ سال پیش حق مالکیت برای اموال خود را داشتند در حالی که اروپا در نیمه دوم قرن ۱۹ این حق را به زنان داد.

۷- برای مطالعه در این خصوص رجوع کنید به: درآمدی بر موقوفات زنان، مهدی مهریزی، مجله میراث جاودان، شماره ۶۹.

۸- زنان دانشمند و راوی حدیث، احمد صادقی اردستانی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

با اینکه در آن عصر و حتی تا همین دوره‌های اخیر در اروپا، زن را براساس تورات، موجود درجه دوم تلقی می‌کردند، قرآن کریم، تلقی موجود درجه دوم بودن زن را به شدت نفی و با آن مبارزه کرد. البته با اینکه مسلمانان همچنان تحت تأثیر برخی اندیشه‌های خرافی درباره زن که از دوره جاهلی باقی مانده بود، قرار داشتند؛ در عین حال تحول عظیمی نسبت به گذشته پدید آمده بود.

ب) رشد و بالندگی علم و فرهنگ

یکی از ویژگی‌های فرهنگ علمی دوره اسلامی عدم اختصاص علم به طبقه یا قشر خاص بود. در ادامه به نمونه‌هایی از این توجه به علم و علم‌آموزی اشاره می‌شود:

- 1) رسول مکرّم اسلام ﷺ روزی به یارانش فرمود: «کسی که دوست دارد نگاهش به چهره کسانی افتد که از آتش دوزخ در امان اند، جویندگان علم بنگرد. سوگند به کسی که جان من در دست قدرت اوست، هر ساگردی که برای تحصیل علم (نه به قصد شهرت و نه برای تظاهر و تفاخر)، رفت و آمد کند، در هر گامی، ثواب و پاداش عبادت یک ساله عابد برای او منظور می‌گردد؛ و برای هر قدمی که در این مسیر می‌نهد، شهر آبادی در بهشت برای او آماده می‌سازند. و زمین نیز برای او طلب آموزش می‌کند...»^۱
- 1) 2- زنان مدینه برای علم‌آموزی در کلاسی که حضرت فاطمه علیها السلام تشکیل داده بود شرکت می‌کردند. به این واقعه توجه کنید:

زنی نزد حضرت فاطمه علیها السلام آمد و گفت مادری دارم که در باب نماز سؤال‌هایی دارد؛ اما چون بیمار است، مرا نزد شما فرستاد تا آن سؤال‌ها را مطرح سازم. حضرت فاطمه علیها السلام به پرسش آن زن پاسخ داد. زن از این فرصت مناسب استفاده کرد و سؤال دیگری را مطرح ساخت. آن حضرت پاسخ آن را نیز بیان فرمود. همین‌گونه، آن زن پرسش‌های متعددی را در میان می‌گذاشت و حضرت زهرا علیها السلام، به تمام سؤالات جواب‌های لازم را می‌داد تا تعداد مسئله‌ها به عدد ۱۰ رسید. زن از کثرت سؤال‌ها احساس شرمندگی کرد و گفت: بیش از این مزاحم شما نمی‌شوم.

صدیقہ کبری علیها السلام، در حالتی که نشان می‌داد هیچ منتهی براو ندارد، فرمود: «هر سؤالی که به نظرت می‌آید، بپرس.» سپس برای تشویق وی فرمود: «اگر فردی در مدت یک روز باری سنگین را به دوش کشیده، آن را به بالای بام حمل کند و در ازای آن حق الزحمه‌ای معادل هزار سکه طلا دریافت کند، با توجه به این مزد، آیا آن کار برای او سخت خواهد بود؟» پاسخ داد: خیر.

۱- به‌طور مثال در سفر پیدایش تورات آمده که حوا از دنده چپ آدم خلق شد و او بود که آدم را گمراه کرد و به خوردن میوه درخت ممنوعه تشویق نمود. سفر پیدایش، اصحاح ۲۳-۲۵ و اصحاح ۷، ۱-۷.

۲- آداب تعلیم و تعلم در اسلام، ترجمه منیة المرید شهید ثانی، نگارش سید محمدباقر حجتی، ص ۵۵

فرمود: «من هم کارگزارم و خود را خادم خداوند قرار داده‌ام. مزد من در برابر هر سؤالی که پاسخ دهم، از مجموع مرواریدهایی که فاصله میان زمین و آسمان را پر کند، بیشتر است. پس سزاوار است که از پرسش‌های تو احساس رنج و زحمت نکنم.»^(۱)

تلاش پیامبر اکرم ﷺ و پیشوایان دینی سبب علاقه مسلمانان به علم و دانش شد، به طوری که توجه به اندیشه و تفکر و ارزشمندی علم روزافزون شد و ثمرات آن در تمدن اسلامی مشاهده گردید. مثلاً نیاکان ما در جهان اسلام توانستند علوم و دانش بشری را از چند شاخه محدود به پانصد شاخه برسانند^۲. و این، به معنای توسعه زیاد علم بود که ناچار بودند آن را شاخه شاخه کنند و به صورت تخصصی بدان بپردازند. شوق و علاقه آنان به دانش سبب شد که در بسیاری شهرها در کنار هر مسجد، مدرسه‌ای نیز بنا کنند^۳.

در امور مربوط به بهداشت و سلامت، وضع مسلمانان بسیار درخشان بود؛ اگر شرایط قبل از اسلام و اوضاع آن دوره را در اروپا که هنوز حتی با حمام آشنا نبودند^۴ مورد توجه قرار دهیم، درمی‌یابیم که چگونه دستورات ساده‌ای مانند وضو و غسل و دیگر آموزه‌های بهداشتی اسلام مانند طهارت و نجاست و نیز دستورات پیشوایان دین در مورد سلامتی و درمان^۵، دنیای اسلام را متحول کرد.

^۱ ۳- امیر مؤمنان علی علیه السلام که نهج البلاغه اش نشان خردورزی و احترام به تفکر و تعقل است، فرمودند: «منزلت عالم و دانشمند، والاتر از کسی است که با کوشش، روزها را به روزه می‌گذراند و شب‌ها را به عبادت سپری می‌سازد.»^(۶)

^۱ ۴- امام رضا علیه السلام حدیثی مفصل در ارزش علم از پیامبر اکرم ﷺ نقل می‌کند که قسمتی از آن چنین است: «اگر آموختن دانش با هدف الهی همراه باشد، کار نیک (حسنة) تلقی می‌شود. علم‌آموزی، عبادت است و مذاکره علمی، تسبیح و تقدیس پروردگار. و عمل و رفتار هماهنگ با علم، جهاد در راه خداست ... فرشتگان، شیفته دوستی با دانشمندان اند و با درود و تحیات خویش به آنان

۱- آداب تعلیم و تعلم در اسلام، ترجمه منیة المرید شهید ثانی، ص ۷۴.

۲- تاریخ تمدن اسلام، جرجی زیدان مسیحی، ج ۳، ص ۲۶۴.

۳- فجر الاسلام، احمد امین، ج ۱، ص ۱۴۲.

۴- ویل دورانت در کتاب تاریخ تمدن می‌گوید: «چون به طور کلی در تعالیم مسیحیت سخن از نکوهش بدن و ترک آن بود، رعایت اصول بهداشتی، دربردارنده اجر و پاداشی نبود ... یکی از ثمرات جنگ‌های صلیبی رواج حمام‌های عمومی در اروپا به تقلید از گرمابه‌های مسلمانان بود... در فرانسه مردم در حیاط‌ها، پلکان‌ها و از بالای خانه‌ها، حتی در کاخ لوور، ادرار می‌کردند. بعد از بروز طاعونی در سال ۱۵۳۱ م، به موجب فرمانی مخصوص، به عموم مالکان و خانه‌داران پاریسی، اخطار داده شد که برای هر خانه مستراح‌ی احداث کنند، لکن اکثر مردم زیر بار نرفتند.» تاریخ تمدن، ج ۴، ص ۱۱۲۵.

۵- برخی از این دستورات در مجموعه‌هایی مانند «طب الصادق» و «طب الرضا» گردآوری شده‌اند.

۶- کافی، کلینی، ج ۱، ص ۳۵.

تهنیت می‌گویند...»^۱)

ج) توجه به عدالت و حقوق مردم

برقراری عدالت از اهداف رسالت پیامبر ﷺ و از مهم‌ترین معیارهای تمدن اسلامی شمرده می‌شود، به همین دلیل پیامبر اکرم ﷺ مردم را به عدالت در همه ابعاد ان دعوت می‌فرمود که به مواردی از آن اشاره می‌شود:

۱- یکی از ابعاد عدالت، **عدالت اقتصادی** است که قرآن کریم تفاوت انسان دین‌دار و بی‌دین را در آن دانسته و فرموده است:

آیا دیدی کسی را که	أَرَأَيْتَ الَّذِي
روز قیامت را تکذیب می‌کرد	يُكَذِّبُ بِالْذِّينِ
پس آن کسی است که	فَذَلِكَ الَّذِي
یتیم را از خود می‌داند	يَدْعُ الْيَتِيمَ
و تشویق نمی‌کند دیگران را	وَلَا يَحْضُ
به اطعام یتیمان	عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ ^۲

۲- رسول خدا ﷺ به مردم می‌فرمود:

«برترین جهاد، سخن حقی است که انسان در مقابل سلطانی ستمگر بر زبان آورد.»^۳

۳- رستم فرخ‌زاد، فرمانده سپاه یزدگرد، آخرین شاه ساسانی، در راه جنگ با مسلمانان بود. وی که مردی جهان‌دیده و با تجربه بود، در قادسیه با طلایه‌داران سپاه مسلمانان برخورد کرد. شب‌هنگام، سوار بر اسب، روی تپه‌ای رفت و به ارزیابی آن لشکر پرداخت. با وجود اینکه لشکر مسلمانان از نظر عده و تجهیزات اندک بودند، در قلب خویش اضطراب عجیبی احساس می‌کرد. از تپه فرود آمد و یکی سوی زهره‌بن عبدالله، فرمانده لشکر مسلمانان، فرستاد و وی را به مذاکره دعوت کرد. فرمانده آمد و سخنانی میانشان رد و بدل شد.

رستم به زهره گفت: درباره دین خود سخن بگوی.

ویزگی‌های دین اسلام در سخنان زهره بن زهره پاسخ داد: پایه دین ما دو چیز است: گواهی به یگانگی خدا و رسالت محمد ﷺ.

رستم گفت: اینکه عیبی ندارد؛ خوب است، دیگر چه؟

عبدالله فرمانده مسلمانان

۱- آداب تعلیم و تعلّم در اسلام، همان، ص ۶۰.

۲- سورة ماعون، آیات ۱ تا ۳.

۳- میزان الحکمة، محمد محمدی‌ری‌شهری، ج ۱، ص ۶۵۶ به نقل از کنز العمال، متقی هندی، حدیث ۴۳۵۸۸.

زهره ادامه داد: آزاد ساختن بندگان خدا از بندگی انسان‌ها به سوی بندگی خداوند.^۱

رستم گفت: این هم خوب است، دیگر چه چیزی؟

زهره گفت: مردم همه از یک پدر و یک مادر زاده شده‌اند و همه برادر و خواهر یکدیگرند.

رستم گفت: این نیز خیلی خوب است. اگر ما اینها را بپذیریم، شما باز خواهید گشت؟

پاسخ داد: آری، قسم به خدا به سرزمین‌های شما دیگر قدم نخواهیم گذاشت، مگر برای تجارت.

رستم گفت: راست می‌گویی، اما در میان ما مردم ایران، سنتی از زمان اردشیر رایج شده که با دین

شما سازگار نیست. کشاورز و پیشه‌ور حق ندارند به طبقه بالاتر روند و از امتیازات آن برخوردار

شوند. اگر این طبقات در ردیف اشراف قرار گیرند، پا از گلیم خود درازتر خواهند کرد و با اعیان و

اشراف به ستیز برخوانند خواست.

زهره گفت: ما نمی‌توانیم مثل شما باشیم. ما عقیده داریم که باید امر خداوند را در مورد همه طبقات

رعایت کنیم. همه مردم از یک پدر و مادر آفریده شده‌اند و همه با هم برادر و برابند.^۲

هم‌اندیشی

برای اینکه ما مسلمانان بتوانیم بار دیگر تمدن اسلامی را احیا کرده، به جایگاه مناسب خود در

جهان برسیم، چه اقداماتی باید انجام دهیم؟

- ۱-
- ۲-
- ۳-
- ۴-
- ۵-
-

۱- إخراج العباد من عبادة العباد إلى عبادة الله.

۲- کامل، ابن اثیر، ج ۲، صص ۳۱۹ تا ۳۲۱ (به نقل از کتاب داستان راستان).

باور کنیم رجعت سرخ ستاره^۱ را
 میعاد دستبرد^۲ شگفتی دوباره را
 باور کنیم رویش سبز جوانه را
 ابهامِ مردخیز غبارِ کرانه را
 باور کنیم ملک خدا را که سرمد است
 باور کنیم سکه به نام محمد ﷺ است
 راوی به فتح، فتح نمایان به آسمان
 راوی به تین و زیت به افسانهٔ زمان^۳
 راوی بخوان به خواندن احمد ﷺ در اعتلا
 بر بام آسمان، شب معنا، شب «حرا»
 راوی بخوان که افسر سیارگان مه است
 راوی بخوان که مهدی موعود ﷺ در ره است^۴

۱- منظور از ستاره، حضرت مهدی ﷺ است.

۲- هنرنمایی.

۳- کلمات فتح، آسمان، تین، زیت و افسانهٔ زمان اشاره به عبارت‌های قرآنی إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ، وَالْفَتْحُ، وَالسَّمَاءِ، وَالتِّينِ وَالتَّارُوتِ وَالْعَصْرِ دارد.

۴- افسانه در اینجا به معنی امر عظیم و شگفت است.

۴- رجعت سرخ ستاره، علی معلم.

تهیه شده

توسط

حسین سلیقه



مسئولیت بزرگ ما

درس سیزدهم

در دو درس قبل با سرگذشت تمدن اسلامی و آنچه در تمدن جدید روی داده است، آشنا شدیم. اکنون در متن تمدن جدید زندگی می‌کنیم و در هوای آن نفس می‌کشیم، تمدنی که دارای نقاط قوت و ضعف است. هم حق ما و هم مسئولیت ماست که سهم خود را در مقابله با زشتی‌ها، اصلاح کاستی‌ها و تکمیل خوبی‌ها و محاسن این تمدن ایفا کنیم و برنامه‌ای برای اصلاح تمدن جدید و تجدید حیات تمدن اسلامی ارائه کنیم.

اکنون با دو سؤال اساسی روبه‌رو هستیم :

۱- هر کدام از ما مسلمانان برای اصلاح تمدن جدید و تجدید حیات تمدن اسلامی چه مسئولیت‌هایی برعهده داریم؟

۲- ما بایستی جامعه خود را چگونه بسازیم که بتوانیم به معیارهای یک جامعه متعالی اسلامی هرچه بیشتر نزدیک شویم و زمینه ظهور حضرت مهدی علیه السلام و تشکیل جامعه جهانی توحیدی را فراهم سازیم؟

خداوند در قرآن کریم می فرماید :

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ

مِنْ بَعْرِ الذِّكْرِ

أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا

عِبَادِي الصَّالِحُونَ^۱

با تدبر در این آیه، جملات زیر را تکمیل کنید.

..... و همانا نوشتیم در زبور

..... بعد از تورات

..... که زمین را به ارث می برند

..... بندگان شایسته من

۱- خداوند یک وعدهٔ **جتمیده** است و آن وعده این است که در آینده **بنندگان شایسته خداوند زمین را**

۲- این وعده در کتاب‌های **آسمانی** . از جمله **تورات** .. آمده است. **به ارث می برند**

۳- مقصود از به ارث بردن زمین **حکومت کردن** است. .

دو تجربه ای که ما بعنوان یک ایرانی مسلمان پشت سر گذاشته ایم را

ذکر کنید

برنامه ریزی

شاید در نگاهی ابتدایی، دستیابی به این هدف بزرگ، یعنی احیای تمدن اسلامی در مقایسه با توان و امکانات موجود، یک بلندپروازی به نظر برسد و رسیدن به آن، دور از دسترس تلقی شود. اما این یک دریافت سطحی از توانمندی ذاتی انسان و قدرت جوانان و ناشی از عدم آشنایی با آموزه‌های بیدارکننده اسلام می باشد. خصوصاً آنکه ما به عنوان ایرانی مسلمان، دو تجربه را پشت سر گذاشته ایم؛ دو تجربه ای که بار اصلی آن بر شانه‌های محکم نوجوانان و جوانانی بود که پدران و مادران امروز ما هستند: ^۱ یکی پرچیدن نظام استبدادی وابسته به بیگانه^۲ و برپاساختن نظامی متکی بر آرای مردم و قوانین اسلام و دیگری ^۲ پیروزی در دفاع مقدس. این دو تجربه، هم اعتقاد مردم دیگر کشورها را به تأثیر ایمان به غیب در پیروزی و اثرات سازنده حکومت مبتنی بر دین اسلام افزایش داد و هم آنان را نسبت به

۱- سورة انبیاء، آیه ۱۰۵.

۲- در وابستگی حکومت پهلوی به بیگانگان و ضعف و ناتوانی این حکومت در برابر ملت همین بس که پهلوی اول را امپراتوری انگلیس با یک کودتا علیه قاجار و بدون اینکه مردم به او رأی داده باشند، به سلطنت رساند. و وقتی که در جنگ جهانی دوم، پهلوی اول اندکی به آلمان نازی نزدیک شد، همین انگلستان به همراه متفقین او را به جزیره‌ای دور افتاده به نام موریس تبعید کردند، بدون اینکه او اعتراضی بکند یا مردم به پشتیبانی از وی تظاهراتی بکنند و سپس پسرش، پهلوی دوم را به جای او منصوب کردند، بدون اینکه از مردم نظر بگیرند. در سال ۱۳۳۲ نیز همین پهلوی دوم که با یک نهضت مردمی روبه‌رو شد، به پیشنهاد امریکا و انگلستان به بغداد و رم رفت و پس از انجام کودتا توسط امریکا و انگلستان علیه دکتر مصدق، دوباره او را به ایران بازگرداندند و بر تخت نشاندند. در سال ۱۳۵۷ نیز که انقلاب مردم به اوج رسید، باز هم به دستور امریکا به مصر رفت تا شاید پس از انجام کودتا به ایران بازگردد که چنین چیزی هیچ‌گاه محقق نشد.

قدرت‌های استکباری حاکم بر جهان آگاه‌تر کرد و برای رسیدن به معنویت و عدالت مشتاق‌تر و تشنه‌تر ساخت و این ارزش‌ها را به خواست عمومی بسیاری از ملت‌ها تبدیل کرد. البته می‌دانیم که ایجاد تمدن اسلامی، نیازمند برنامه‌ای است که ما را به سطح لازم از توانمندی برساند و قدرت لازم را برای ایفای نقش در جهان کنونی به ما ببخشد.

اکنون در مرحله‌ای حساس از تاریخ سرزمین خود و جهان قرار داریم. پدران و مادران ما مسئولیت خود را انجام داده و این امانت بزرگ را به ما سپرده‌اند. اکنون، باید بیندیشیم که در عصر جهانی شدن، این مسئولیت منحصر به فرد خود را چگونه بر دوش خواهیم کشید و برای تحقق هدف بزرگی که پیش‌روی ماست، تا کجا پیش خواهیم رفت. با توجه به اهمیت این هدف بزرگ و برای دستیابی به آن باید اقداماتی در چهار حوزه زیر انجام گیرد.

برای تقویت توانایی‌های فردی چه اقداماتی لازم است انجام دهیم

حوزه اول: تقویت توانایی‌های فردی

برای تقویت توانایی‌های فردی، اقدامات زیر لازم است:

۱- تلاش برای کسب آگاهی و بصیرت؛ اجرای هر طرحی، بدون آگاهی از موفقیت‌ها و شکست‌های قبلی میسر نیست. گذشته، دربردارنده تجربه‌های فراوان است که بصیرت ما را افزایش می‌دهد و ما را به تصمیم‌گیری‌های درست‌تر نزدیک می‌سازد. شناخت دنیای جدید نیز جهت درک درست واقعیت‌ها و انتخاب روش‌های مؤثر، ضروری است. پس هریک از ما باید برنامه مطالعاتی دقیق برای آشنایی با تمدن بزرگ اسلامی و شناخت شرایط جهان امروز که در آن زندگی می‌کنیم، تنظیم کنیم.

۲- تقویت ایمان و اراده؛ مشارکت در این اقدام بزرگ نیازمند اعتقاد راسخ به دین عزت نفس، توکل و اعتماد به خداوند، شجاعت، پایداری و اراده قوی است.

تدبّر در قرآن (۲)

حضرت موسی علیه السلام برای اینکه بتواند قوم خود را آماده مبارزه با فرعون کند به آنان می‌گوید:

کمک بخواهید از خداوند
و صبر کنید
همانا زمین برای خداست

اَسْتَعِينُوا بِاللّٰهِ
وَاَصْبِرُوا
اِنَّ الْاَرْضَ لِلّٰهِ

يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ
وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ^۱
به هر کس از بندگانش که بخواهد به ارث می دهد
و عاقبت نیک از آن پرهیزکاران است.....

با تدبّر در این آیه به سؤالات زیر پاسخ دهید :

۱- عاقبت نیک و پیروزی از آن چه کسانی است؟

پرهیزکاران

۲- این عاقبت نیکو در چه صورتی به آنان می رسد؟

۱- کمک خواستن از خداوند ۲- صبر

تحکیم بنیان خانواده سبب چه چیزی می شود

حوزه دوم : تحکیم بنیان خانواده

خانواده کانون رشد فضیلت ها و محل تربیت نسل های خلاق، توانمند و با همت است. ^۱تحکیم این بنیان سبب رشد فضائل اخلاقی در جامعه، کاهش فساد و حضور انسان های با فضیلت و کارآمد می گردد. ^۲اگر بنیان خانواده سست شود، ^۳فساد گسترش می یابد و نسل هایی که از قوّت و قدرت روحی کافی برخوردار نیستند، مسئولیت های اجتماعی را برعهده می گیرند.

وقتی حضرت ابراهیم علیه السلام و حضرت اسماعیل علیه السلام پایه های خانه کعبه را بالا بردند و بنای یک جامعه توحیدی را گذاشتند، نه تنها برای خود دعا کردند، بلکه از خداوند خواستند ذریّه و نوادگانی به آنان

عطا کند که ادامه دهنده راه توحید باشند.^۲

اگر بنیان خانواده سست شود چه نتایجی خواهد داشت

حوزه سوم : تحکیم پایه های جامعه خود

حرکت به سوی تمدن متعالی اسلام، با انجام دسته ای از اقدامات فردی یا گروهی پراکنده امکان پذیر نیست، بلکه نیازمند جامعه ای مستحکم و توانمند است. بنابراین، باید بکوشیم جامعه خود را به شاخص های تمدن متعالی اسلام نزدیک کنیم و در آن صورت است که می توانیم به جامعه ای اسوه و نمونه برای دیگران تبدیل شویم. از این رو باید با تحکیم پایه های جامعه، خود را مصداق این کلام خداوند قرار دهیم که :

و اینچنین قرار دادیم شمارا

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ
أُمَّةً وَسَطًا

امت میانه رو

۱- سورة اعراف، آیه ۱۲۸.

۲- سورة بقره، آیه ۱۲۸ (رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَ ارِنَا مَنَاسِكَنا وَ ثُبِّ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ).

لَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ

وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا^۱

برای اینکه گواه (شاهد) بر مردم باشید...

و پیامبر بر شما گواه باشد.....

تدبر در قرآن (۳)

با تفکر در آیه شریفه فوق، بگویید جامعه اسلامی باید در میان جوامع دیگر چه موقعیتی داشته

باشد؟

برای اینکه به کانون اصلی تبلیغ اسلام تبدیل شویم چه اقداماتی لازم است؟ هر کدام را

توضیح دهید

علاوه بر این، برای معرفی تمدن متعالی اسلام در جهان و علاقه‌مند ساختن مردم به اندیشه‌های اسلامی، به مرکزی نیاز است که محل تولید فکر و اندیشه و تبلیغ فرهنگ متعالی اسلام در جهان باشد. بنابراین اگر بنیان‌های جامعه خود را مستحکم کنیم و نقاط ضعف این جامعه را برطرف کنیم، می‌توانیم به کانون اصلی تبلیغ اسلام تبدیل شویم و بهترین مبلغ اسلام در جهان باشیم. برای رسیدن به این هدف اساسی اقدامات زیر پیشنهاد می‌شود:

۱- شناسایی ضعف‌ها و کمبودها و تلاش در جهت اصلاح آنها: جامعه‌ای که اکنون در آن زندگی می‌کنیم، در کنار برخورداری از نقاط قوت فراوان، ضعف‌ها و کاستی‌هایی همچون بی‌عدالتی، تجمل‌گرایی و... دارد که می‌تواند مانعی مهم در جهت تحقق تمدن اسلامی باشد. از این رو لازم است به عنوان یک جوان معتقد و عدالت طلب، به دقت کمبودها و آسیب‌های جامعه فعلی را شناسایی کنیم و با شجاعت در جهت اصلاح این آسیب‌ها گام برداریم. رهبر انقلاب به این نکته مهم این‌گونه اشاره می‌کند: «احتیاج است به یادآوری این ارمان‌ها با همان زبان جوان مؤمن انقلابی که از خصوصیاتش صراحت است، از خصوصیاتش شجاعت در گفتار است، اینکه شجاعانه حرف خودش را بزند... این احساس روحیه تهاجم را در جوان دانشجو و جوان انقلابی، من کاملاً قبول دارم. بایستی ارزش‌ها به صورت صریح و هوشیارانه دائماً مطالبه بشود».^۲

۲- همراه کردن سایر افراد جامعه با خود: شایسته است بکوشیم این رسالت بزرگ را برای دوستان، نزدیکان و افراد جامعه خود تبیین کنیم تا آنان نیز به این مسئولیت آگاه شوند و پشتیبان آن گردند.

تشکیل گروه‌های مطالعاتی خودجوش در میان خویشان و هم‌کلاسان و دوستان صمیمی زیر نظر یک راهنمای باتجربه، تولید محتواهای رسانه‌ای مؤثر درباره تمدن اسلامی و شاخص‌های آن، تقویت معرفت دینی

۱- سوره بقره، آیه ۱۴۳.

۲- بیانات رهبر انقلاب در دیدار دانشجویان، ۱۳۹۷/۳/۷.

خود و اطرافیان و حضور آگاهانه و حساب شده در فضای مجازی برای تبلیغ اندیشه درست دینی از جمله اقداماتی است که برای همراه کردن دیگران می تواند صورت بگیرد. همان طور که در قرآن کریم آمده است :

وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ^(۱)



(۳) — تلاش برای پیشگام شدن در علم و فناوری : پیشرفت علمی پایه های استقلال یک ملت را تقویت می کند و مانع تسلط بیگانگان می شود. هریک از ما باید بکوشیم با همت بلند و پشتکار فراوان، استعداد خود را به کار بگیریم تا به مرتبه ای از قدرت علمی برسیم که توجه دیگر ملت ها را به سوی خود جلب کنیم.

«کشوری که مردم آن از علم بی بهره باشند، هرگز به حقوق خود دست نخواهد

یافت. نمی شود علم را از دیگران گدایی کرد. علم، درون جوش و درون زاست. باید استعدادهای یک ملت به کار افتد تا یک ملت به معنای حقیقی کلمه، عالم بشود.»^(۲)

پیشرفت های اخیر دانشمندان جوان کشور ما در رشته های مختلف علمی، مانند پزشکی و سلول های بنیادی، فناوری نانو و هسته ای، صنایع نفت، پتروشیمی و سدسازی قدم های اولیه ای است که باید با همت بلندتر ادامه یابد و همه عرصه های دانش را ببیماید.

(۴) — استحکام بخشیدن به نظام اسلامی : استحکام و اقتدار نظام حکومتی یک کشور مهم ترین عامل برای حضور کارآمد در میان افکار عمومی جهان است. یک کشور ضعیف، به طور طبیعی منزوی می شود و همراه و همدلی در دنیا نمی یابد. استحکام پایه های اقتصادی و تلاش برای کاهش فقر، توسعه عدالت در همه ابعاد، تقویت اتحاد ملی، انسجام اسلامی و مشارکت عمومی و عمل به وظیفه مقدس امر به معروف و نهی از منکر، از مهم ترین عوامل استحکام نظام اسلامی است.^(۵)

عوامل استحکام نظام اسلامی

هم اندیشی (۱)

با همفکری دوستان خود، برخی از عواملی را که در حال حاضر موجب لطمه زدن به استحکام نظام اسلامی می شود، بیان کنید. به نظر شما برای رفع این عوامل چه اقداماتی باید انجام داد؟

۱- سورة آل عمران، آیه ۱۰۴.

۲- رهبر انقلاب، سخنرانی در مراسم سالگرد رحلت امام خمینی (ره)، خردادماه ۱۳۸۵.

۵- تقویت عزت نفس عمومی : ملتی که به توانایی خود ایمان دارد و عبارت «ما می توانیم» را، نه صرفاً در لفظ، بلکه در «عمل» بیان می کند، قله های افتخار را به سرعت فتح خواهد کرد (ایمان را باور به اینکه «ما می توانیم»، زنده کننده تمدن اسلامی و نیروی محرکه ای برای پیمودن راه و گذر از گردنه های سخت است. آن خودباوری ای که پیامبر گرامی اسلام در یاران اندک خود به وجود آورد، سبب شد در شهر کوچک مدینه امتی تربیت شود که برای اصلاح جهان قیام کند و از همان ابتدا برای آزادی ستم دیدگان جهان و گسترش توحید در تمام دنیا برنامه ریزی نماید.)

بیشتر بدانیم

یکی از تربیت یافتگان مکتب اسلام که پیامبر اکرم ﷺ و اولیای الهی را اسوه و الگوی خود قرار داد و عزت نفسی کم نظیر در سخت ترین لحظه های زندگی از خود نشان داد، شهید محسن حججی بود. این جوان شجاع وقتی به اسارت دشمنانی درآمد که کارشان بریدن سرها و سوزاندن آدم ها بود، نه تنها ترسی به دل راه نداد، بلکه چنان با عظمت و صلابت با آنان روبه رو شد که آنان را به هراس انداخت و دون صفتی و حقارت را در چهره شان آشکار کرد.

حوزه چهارم : حضور مؤثر و فعال در جامعه جهانی

پیام اسلام، پیامی مطابق با فطرت انسان هاست. هر انسان روشن ضمیری که جوای حقیقت باشد، وقتی دعوت قرآن را به عقلانیت، عدالت، دوری از ستمگری و ستم پذیری، پاک دامنی، معنویت و تقوا می شنود، به طور طبیعی جذب آن می شود. هر حقیقت جویی، وقتی در میان هزاران کتاب، مقاله، فیلم و انواع تبلیغاتی که علیه پیامبر اکرم ﷺ منتشر کرده اند، به سیمای واقعی ایشان می رسد، او را به بزرگی روح می ستاید. بنابراین لازم است ما این پیام رهایی بخش را با همان شیوه هایی که رسول خدا ﷺ به دیگران رساند، در جهان تبلیغ کنیم و به دیگران برسانیم. خداوند درباره روش تبلیغ رسول خدا ﷺ می فرماید :

«به لطف و رحمت الهی با آنان [مشرکان] نرمی پیشه کردی. و اگر تو درشت خوی سخت دل بودی، بی شک از پیرامون تو پراکنده می شدند. پس از آنان درگذر و برای آنها امرزش بخواه و در کار با آنان مشورت کن و انگاه که تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن که خداوند اهل توکل را دوست دارد.»^۱

۱- سورة آل عمران، آیه ۱۵۹.

با توجه به شرایط کنونی جهان و اقداماتی که دشمنان اسلام علیه دین ما و پیامبر ما انجام می‌دهند، اقدامات زیر را پیشنهاد می‌کنیم :

۱- **ترسیم چهره منطقی و عقلانی دین اسلام :** میان یک پیام و روش تبلیغ آن باید تناسب منطقی و معقول برقرار باشد. حق را نمی‌توان با روش‌های نادرست به دیگران رساند. دین اسلام یک دین منطقی و استدلالی است و هر آموزه و حکم آن براساس حکمت الهی تنظیم شده است. چنین دینی را نمی‌توان با تعصب‌های جاهلانه یا با روش‌های فریبکارانه تبلیغ کرد و نظر مردم را به سمت آن جلب نمود. ما باید از همان روش‌هایی که خداوند، در قرآن کریم به پیامبر گرامی‌اش آموزش داده، استفاده کنیم و بهره ببریم.

روشی دعوای از دید شاه مکران

... به راه پروردگار دعوت کن ...
 ... با دانش استوار و اندرز نیکو ...
 ... و با آنان به شیوه ای که نیکوتر است مجادله نما ...

تدبیر در قرآن (۴)

أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ
 بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ
 وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ ...

با تدبیر در این آیه، روش‌های صحیح دعوت را استخراج کنید :

روش اول : **دانش استوار (حکمت)**
 روش دوم : **پند و اندرز نیکو**
 روش سوم : **مجادله نیکو**



۲- **استفاده از بهترین و کارآمدترین روش‌ها برای رساندن پیام :** امروزه ابزارهای رساندن پیام بسیار متنوع و گسترده شده است. این ابزارها، به همان میزان که می‌توانند در استخدام حق قرار گیرند، می‌توانند حامل پیام‌های باطل باشند و به گمراهی مردم کمک کنند. متأسفانه بیشتر این رسانه‌ها توسط کسانی تأسیس و مدیریت می‌شود که نه تنها به دنبال حقیقت نیستند بلکه می‌خواهند باطل را حق جلوه دهند تا مردم دنیا باطل را جای حق گذاشته و از آن پیروی کنند.

شبکه جهانی اطلاع رسانی (اینترنت) مهم ترین نمونه این گونه رسانه هاست. در این میدان که شاید سخت ترین هموردی حق و باطل در جریان است، مشاهده می کنید که چگونه باطل پیشگان به تمام اصول و موازین اخلاقی و انسانی حمله می کنند و هیچ حد و مرز اخلاقی را رعایت نمی نمایند.

بررسی

۱- امروزه چه ابزارهایی برای رساندن پیام حق و گفت و گو با دیگر مردمان وجود دارد که می توان از آنها کمک گرفت؟

۲- دشمنان حق چگونه از این ابزارها سوء استفاده می کنند؟ و راه مبارزه با آنها چیست؟

(۳- مبارزه با ستمگران و تقویت فرهنگ جهاد و شهادت و صبر : یکی از رسالت های اصلی انبیا، مبارزه با ظلم و برقراری عدل و گسترش حق بوده است. هرچند بسیاری از مردم با شنیدن سخن حق دلشان نرم می شود و مجذوب حقیقت و عدالت می شوند اما باید هوشیار باشیم که همواره گروهی از اهل باطل هستند که نه تنها زیر بار حق نمی روند، بلکه سد راه حق جویی می شوند؛ زیرا گسترش عدالت، منافع آنها را تهدید می کند. این گروه ها تا همه را تابع خود نکنند و یوغ اسارت بر گردن دیگران نیفکنند، آرام نمی گیرند.)

امام خمینی علیه السلام می فرماید :

«نکته مهمی که همه ما باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم، این است که دشمنان ما و جهان خواران تا کی و تا کجا ما را تحمل می کنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند. به یقین، آنان مرزی جز عدول از همه هویت ها و ارزش های معنوی و الهی مان نمی شناسند. به گفته قرآن کریم [دشمنان] هرگز دست از مقاتله و ستیز با شما بر نمی دارند مگر اینکه شما را از دیتان برگردانند.^۱ ما چه بخواهیم و چه نخواهیم صهیونیست ها و امریکا و شوروی در تعقیبمان خواهند بود تا هویت دینی و شرافت مکتبی مان را لکه دار نمایند.»^۲

بدین ترتیب، اگر واقع بینانه نگاه کنیم، درمی یابیم که دعوت به حق و عدالت را نباید منحصر به صحبت و شعار کنیم، بلکه برای تحقق سخن حق باید برنامه ریزی کرد، قیام نمود و شرايطی فراهم کرد تا موانع حق و حق پرستی از جامعه خود و جهان زدوده شود؛ این مهم میسر نمی شود مگر با تلاش و

۱- سورة بقره، آیه ۲۱۷.

۲- صحیفه نور، امام خمینی، ج ۲۰، ص ۲۳۷.

پشتکار، جهاد و آمادگی برای شهادت در راه خدا، و تحمل همه سختی‌های این راه که همان راه حق و حقیقت است.

بیشتر بدانیم

امام خمینی علیه السلام در این باره در پیام براثت از مشرکین در حج سال ۱۳۶۶ فرمودند :
« ... تجربه انقلاب اسلامی در ایران، با خون‌بهای هزاران شهید و مجروح و خراب شدن منزل‌ها و به آتش کشیده شدن خرمن‌های کشاورزان و کشته شدن تعداد بسیاری در بمب‌گذاری‌ها و اسیر شدن فرزندان انقلاب و اسلام به دست دژخیمان بعث عراق و هزاران گونه تهدید و فشار اقتصادی و جانی به دست آمده است. ملت ایران تجربه پیروزی بر کفر جهانی را در خراب شدن منازل خود بر سر کودکان در خواب به دست آورده و با فداکاری و مجاهدت، انقلاب و کشور خود را بیمه نموده است. ما به تمام جهان تجربه‌هایمان را صادر می‌کنیم و نتیجه دفاع و مبارزه با ستمگران را بدون کوچک‌ترین چشمداشتی، به مبارزان راه حق انتقال می‌دهیم و مسلماً محصول صدور این تجربه‌ها، جز شکوفه‌های پیروزی و استقلال و پیاده شدن احکام اسلام برای ملت‌های در بند نیست.

... من به تمام دنیا با قاطعیت اعلام می‌کنم که اگر جهان‌خواران بخواهند در مقابل دین ما بایستند، ما در مقابل همه دنیای آنان خواهیم ایستاد و تا نبودی تمام آنان از پای نخواهیم نشست؛ یا همه آزاد می‌شویم و یا به آزادی بزرگ‌تری که شهادت است می‌رسیم و همان‌گونه که در تنهایی و غربت و بدون کمک و رضایت احدی از کشورها و سازمان‌ها و تشکیلات جهانی، انقلاب را به پیروزی رساندیم، و همان‌گونه که در جنگ نیز، مظلومانه‌تر از انقلاب، جنگیدیم و بدون کمک حتی یک کشور خارجی متجاوزان را شکست دادیم، به یاری خدا باقیمانده راه پر نشیب و فراز را با اتکال به خدا، تنها خواهیم پیمود و به وظیفه خود عمل خواهیم کرد؛ یا دست یکدیگر را در شادی پیروزی جهان اسلام در کل گیتی می‌فشاریم و یا همه به حیات ابدی و شهادت روی می‌آوریم و از مرگ شرافتمندانه استقبال می‌کنیم ولی در هر حال پیروزی با ماست و دعا را هم فراموش نمی‌کنیم...»^۱

نمونه بارز حق ستیزی، زورگویی در عرصه جهانی، اقدامات صهیونیست‌ها در فلسطین اشغالی است. فجایع و ظلم‌هایی که امروزه در فلسطین رخ می‌دهد، بر کسی پوشیده نیست و تاکنون سازمان‌های بین‌المللی ده‌ها قطعنامه در محکومیت جنایات رژیم صهیونیستی صادر کرده‌اند؛ اما آیا این قطعنامه‌ها توانسته‌اند در روبه‌های ظالمانه این رژیم غاصب اندک تأثیری داشته باشد؟ آیا در مقابل یک جاه‌طلب قدرتمند می‌توان به مذاکره و نصیحت اکتفا کرد؟

هم‌اندیشی (۲)

برخی می‌گویند راه حل معضل فلسطین را باید در پشت میزهای مذاکره و رایزنی‌های سیاسی جست‌وجو کرد و انتفاضه مردم فلسطین تنها بر حجم مشکلات می‌افزاید. در گفت‌وگو با دوستان خود، این دیدگاه را نقد و بررسی کنید.

بنابراین، با شناخت دقیق فرصت‌ها، مردم دنیا را باید نسبت به شرایط سخت و ظالمانه‌ای که در آن قرار گرفته‌اند، آگاه کنیم و با زنده کردن روحیه جهاد و مبارزه، به تقویت جبهه عدالت‌خواهان بپردازیم. با اقتدا به امام خمینی (ره) عزت و کرامت ذاتی انسان‌ها را به آنها یادآوری کنیم، روحیه خودباختگی و ترس را از ملت‌ها بزداییم و آنها را به سوی استقامت و مبارزه‌ای معقول و عزتمند هدایت کنیم.

بیشتر بدانیم

زندگی و سخنان امام خمینی (ره) پر از روحیه حماسه و جهاد و شهادت‌طلبی است. جالب اینجاست که حتی در پیامی که هنگام قبول قطعنامه مربوط به تهاجم عراق به ایران صادر کرد، نه فقط بر تداوم روحیه جهاد، بلکه بر تداوم خود این جهاد مقدس علیه ظلم و ستم تأکید نمودند و بیان داشتند هدف ما نه فقط رفع فقر، بلکه محو هرگونه ظلم و کفر از کل جهان است: «... آری، [مبارز] فلسطینی، راه گم‌کرده خود را از راه براهت می‌یافت و دیدیم که در این مبارزه، چگونه خون بر شمشیر و ایمان بر کفر و فریاد بر گلوله پیروز شد، و چطور خواب بنی اسرائیل در تصرف از نیل تا فرات آشفته گشت و دوباره کوکب دریه^۱ فلسطین از شجره مبارکه^۲ لاشرقیه و لاغربیه ما برافروخت و امروز همان‌گونه که فعالیت‌های وسیعی در سراسر جهان برای به‌سازش کشیدن ما با کفر و شرک در جریان است، [فعالیت‌هایی] برای خاموش کردن شعله‌های خشم ملت مسلمان

۱- اشاره به تعبیر (کوکب دزی) در آیه ۳۵ سوره نور، که به معنای «ستاره درخشان» است.